ضمیمه ٤
سایر عطایای روحانی

به پنج عطایای روح‌القدس که در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، درس ۳۵ در مورد آنها توضیحاتی داده شده است، مراجعه کنید.

٦- رهبران و مدیران

الف) "رهبری" (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاصی در کلیسا. رهبران پیشاروی مردم حرکت کرده، به آنها جهت می‌دهند و برای آنها الگو قرار می‌گیرند. این مسئولیت به طور خاص بر عهده پیران کلیسا است.

ب) "مدیریت" (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاص در کلیسا. مدیران از طریق رسیدگی به مشکلات کلیسایی و دادن مشورتهای حکیمانه، اعضا را هدایت می‌کنند. پیران کلیسا، مسئولیت اداره امور کلیسا را بر عهده داشتند، اما موعظه، تعلیم و هدایت مردم بر عهده آنها نبود (اول تیموتاؤس ٥: ۱۷). در کلیسای اولیه کسانی بودند موسوم به "امداد کنندگان" که مسئول انجام امور اداری کلیسا بودند. اما "مدیران" تا حدی از لحاظ روحانی نیز کلیسا را رهبری می‌کردند.

۷- خدمت کردن و کمك کردن

الف) "خدمت کردن" (رومیان ۱۲: ۷) عبارت است از توانایی خاصی در کلیسا، که در کلیسای اولیه احتمالاً عملکرد (خدمت) خادمین بود. خادمین به نیازهای مختلف کلیسا رسیدگی می‌کنند.

ب) "کمك کردن" (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸) نیز یك توانایی خاص است. کسانی که در این خدمت هستند، در انجام کارهای مختلف کلیسایی به دیگران کمك می‌کنند.

۸- بیان کلام حکمت، کلام معرفت، سخنی بناکننده یا خواندن مزامیر و سراییدن سرودها

الف) "بیان کلام حکمت" (اول قرنتیان ۱۲: ۸) یعنی بیان سخنی که حکمت در آن است. این عطای مخصوص، به مردم نشان می‌دهد که بهترین طریق رسیدن به اهداف والا کدام است. مسیحیانی که دارای این عطای روحانی هستند، به دیگران کمك می‌کنند که دریابند چگونه می‌توانند از طریق زندگی خود باعث خشنودی خدا شوند.

ب) "بیان کلام معرفت" (اول قرنتیان ۱۲: ۸) یعنی بیان سخنی که معرفت در آن است. این عطای مخصوص، معنای اموری را که برای انسانها مخفی است، روشن می‌سازد. مسیحیانی که از چنین عطایی برخوردارند می‌توانند تشخیص دهند که آیا معرفت یا شناختی خاص از طرف خداست یا نه؛ به عبارت دیگر، آیا با مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس مطابقت دارد یا خیر.

پ) "خواندن مزامیر و سراییدن سرودها" (اول قرنتیان ١٤: ٢٦) نیز یکی دیگر از توانایی‌های خاص است. یك مسیحی می‌تواند از طریق خواندن مزامیر و سراییدن سرودهای روحانی جدید باعث بنای دیگران شود (افسسیان ٥: ۱۹؛ کولسیان ۳: ١٦). مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، کلام خدا را از طریق مزامیر، اشعار، سرودها و موسیقی به دیگران منتقل می‌کنند.

ت) "گفتن کلام تشویق یا تسلی" (رومیان ۱۲: ۸) عبارت است از توانایی خاصی که فرد مسیحی از طریق آن سایر مسیحیان را به انجام کارهایی که در کلام خدا دستور داده شده است، ترغیب می‌کند. کلام تشویق یا تسلی ممکن است از طریق بیان موعظه یا تعلیم خطاب به جمع بیان شود، و یا به طور خصوصی خطاب به فردی بخصوص. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به مسیحیان دیگر در زمینه رشد روحانی و خدمت مشورت می‌دهند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که درسهایی را که هر روزه از کلام خدا می‌آموزند در زندگی خود بکار ببرند تا بدین ترتیب شخصیتشان رشد کند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که رفتار مسیحی داشته باشند و در زندگی خود با ایمان گام بردارند.

۹- بخشیدن یا اهدای اعانه

"بخشیدن" (رومیان ۱۲: ۸) عبارت است از توانایی خاصی که در آن فرد مسیحی قسمتی از اموال زمینی خود را در جهت منافع دیگران و جلال خدا بکار می‌برد. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به این نکته توجه دارند که سرمایه و دارایی خود را برای پیشبرد ملکوت خدا بکار گیرند. آنها پول یا اموال خود را در اختیار کلیسا و یا سازمانهای مسیحی قرار می‌دهند تا بدینوسیله ملکوت خدا گسترش یابد.

۱۰- "رحم کردن"

"رحم کردن" (رومیان ۱۲: ۸) توانایی خاصی است در زمینه همدردی با مشکلات دیگران و تسلی دادن و کمك به آنها. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، غالباً ناظرین و شنوندگان خوبی هستند و مشکلات را خوب تشخیص می‌دهند. آنها قادرند که وضعیت نیازمندان و شرایط کسانی را که از نظر فکری و احساسی دچار ترس، یأس و نومیدی هستند، یا بیمار، معلول، داغدار یا سالخورده و رو به مرگ هستند، بخوبی ارزیابی کنند. اینگونه افراد قادرند با کسانی که دارای چنین مشکلات و نیازهایی هستند همدردی کنند.

۱۱- ایمان

"ایمان" (اول قرنتیان ۱۲: ۹) عبارت است از اشتیاق و توانایی جهت انجام کاری خاص برای خدا. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، وقتی خدا آنها را به انجام تکلیفی دشوار و سنگین فرا می‌خواند، به او اعتماد می‌کنند. به عنوان مثال، خدا ممکن است از آنها بخواهد در یك کشور غریب زندگی کنند، تحت فشار و جفاهای مختلف باشند یا در جهانی که بی‌عدالتی در آن غوغا می‌کند، عدالت را اجرا کنند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند به خدا اعتماد می‌کنند تا از طریق آنها معجزات و اعمال عظیم ظاهر سازد. آنها ایمان دارند که خدا قادر است موانع و مشکلات را هر قدر هم که بزرگ باشد، از پیش پای آنها بردارد و اعمالی انجام دهد که از نظر انسانها غیرممکن بنظر می‌رسد. اینگونه افراد نیز مانند نوح، ابراهیم و موسی، قادرند اهداف خدا را بواسطه ایمان درك کنند.

۱۲- عطای شفا دادن

"عطای شفا دادن" (اول قرنتیان ۱۲: ۹، ۳۰) عبارت است از توانایی خاصی جهت شفای بیماری جسم، جان و روح مردم. خدا از کسانی که از این عطا برخوردارند بطرزی مافوق طبیعی برای شفای بیماران استفاده می‌کند. تمام شفاها، شفاهای الهی هستند.

۱۳- قوات یا معجزات

"قوات یا معجزات" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰، ۲۸- ۲۹) عبارت است از تواناییهایی خاص جهت انجام اعمال مافوق طبیعی یا علامات و معجزاتی غیرمعمول (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۲۸). هدف از معجزات این است که واقعی بودن خدای کتاب‌مقدس و مکاشفه او را اثبات کنند و باعث شوند مردم به عیسی مسیح ایمان آورده، نجات بیابند (یوحنا ۲۰: ۳۰- ۳۱). معجزات در کتاب مقدس بویژه هنگامی اتفاق می‌افتاد که خدا می‌خواست خودش و حقیقت وجود خودش را از طریق موسی، انبیای عهد عتیق (مخصوصاً الیشع و ایلیا)، عیسی مسیح و رسولان عهدجدید آشکار نماید (متی ۱۰: ۱، ۸؛ لوقا ۱۰: ۱۸- ۲۰؛ اعمال ۲: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۱۲؛ عبرانیان ۲: ٤).

۱٤- تشخیص ارواح

"تشخیص ارواح" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰) اشتیاق، توانایی یا دعوت الهی خاصی است جهت تشخیص بین روحهای مختلف. تا زمانیکه هنوز عهد جدید به نگارش در نیامده بود، مسیحیان می‌توانستند با استفاده از این عطای روحانی امور الهی و شیطانی، آنچه را که روحانی و آنچه احساسی یا روانی، آنچه حقیقت و آنچه را که دروغ است، امور درست و اشتباه و امور سازنده و مخرب را از هم تمیز دهند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردار بودند، می‌توانستند "روحها را بیازمایند" تا دریابند کدام روح از جانب خدا است و کدام روح از طرف خدا نیست (اول یوحنا ٤: ۱- ٦؛ اعمال ۱۳: ٦- ۱۲). آنها می‌توانستند تشخیص دهند که آیا آنچه که یکی از انبیای عهد جدید می‌گوید درست است یا خیر، و آیا جماعت باید بر طبق نبوت او عمل کنند یا نه (اول قرنتیان ۱٤: ۲۹). و اگر کسی در کلیسا ادعا می‌کرد که از عطای روحانی خاصی برخوردار است، کسانی که دارای عطای تمیز ارواح بودند می‌توانستند تشخیص دهند که آیا این عطا واقعی است، یا دروغین و یا حتی شیطانی.
ارواح شریر در زندگی کسانی که اسیر دیوها بودند و همچنین در زندگی افرادی که خود را با اعمال مرموز و سحرآمیز مشغول کرده بودند، عمل می‌کردند. ارواح شریر حتی در بین جماعت نوایمانان غیریهودی مسیحی شده نیز فعال بودند (اول

یوحنا ٤: ١). چنین روحهای شریری می‌توانستند خود را در قالب نبوتهای دروغین و معجزات کاذب متجلی سازند (اعمال ١٩: ١٣- ١٦). خلاصه آنکه این ارواح قادر بودند بطرزی شیطانی از عطایای روحانی و کار مسیح تقلید کنند (متی ٢٤: ٢٣- ٢٤؛ اعمال ٢٠: ٢٩- ٣١؛ دوم قرنتیان ١١: ١٣- ١٥).

١٥- انواع مختلف زبانها

الف) زبانها در کتاب اعمال رسولان
در کتاب اعمال رسولان "تکلم به زبانها" عبارت بود از توانایی خاصی جهت سخن گفتن درباره خدا و اعمال عجیب او به سایر زبانهای قابل فهم و شناخته شده دنیای آن روز (اعمال ٢: ٧- ١١).
هدف از تکلم به زبانها، توصیف تحقق تاریخی نبوت یوئیل ٢: ٢٨- ٢٩ در عهد عتیق و اثبات ریزش و حضور واقعی روح‌القدس بود (اعمال ٢: ١٦). تکلم به زبانها علامت قابل رؤیت اولین ریزش روح القدس در تاریخ بشر بر تمام یهودیان (اعمال فصل ٢)، سامریان (کسانی که نیمه یهودی بودند)، (اعمال فصل ٨) و تمام غیر یهودیانی (اعمال فصلهای ٨، ١٠، ١١، ١٥) بود که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند (اعمال ١: ٨). در فصل دوم اعمال می‌خوانیم که این علامت، امری قابل رؤیت (بصورت زبانه های آتش) و قابل شنیدن بود (سخن گفتن به زبانهای بیگانه).
کتاب اعمال رسولان، اعمال خدا را در تاریخ نجات بشر بازگو می‌کند. این وقایع، اموری منحصر به فرد بود و نظیر آن هیچگاه پیشتر دیده نشده بود. کتاب اعمال رسولان تعلیم نمی‌دهد که امروزه در کلیساهای مسیحی دنیا چه اتفاقاتی باید به وقوع بپیوندد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایجاد کلیساهایی فعال (اول قرنتیان ١٢: ١٢- ١٣؛ اعمال ٢: ٤٢) و حضور قابل رؤیت ثمره روح در زندگیهای ایمانداران (مخصوصاً محبت) (غلاطیان ٥: ٢٢)، از علامات قابل رؤیت ریزش و عملکرد روح‌القدس است. از طرفی کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایمانداران حتی آنگاه که دارای برخی عطایای خاص نیستند، همواره باید بر اساس اصل محبت زیست کنند (اول قرنتیان ١٣: ١- ٨). ولی کتاب مقدس چنین تعلیم نمی‌دهد که نبوت به زبانهای مختلف (یا تکلم به سایر زبانها) همواره بایستی علامت دریافت روح‌القدس (یا تعمید روح‌القدس) باشد.

ب) زبانها در رسالات قرنتیان
در رساله قرنتیان (اول قرنتیان ١٢: ١٠، ٢٨- ٣٠؛ ١٣: ١، ٨- ١١؛ ١٤: ١- ٣٣) "تکلم به زبانها" عبارت بود از توانایی خاصی جهت بیان سخنانی غیرمعقول، نامفهوم و عجیب (زبانهای فرشتگان). این پدیده همراه با زبانه های آتش نبود، ولی قابل شنیدن بود و در بین مردم ابهاماتی ایجاد کرده بود.
١) پولس رسول راجع به ناگهانی بودن واقعه زبانها صحبت نمی‌کند، بلکه درمورد توانایی دائمی تکلم به زبانها سخن می‌گوید. عبارت "کسی که به زبانی سخن می‌گوید" (اول قرنتیان ١٤: ١٣) به شخصی اشاره نمی‌کند که در یك جلسه کلیسایی ناگهان به سرعت تحت تأثیر روح‌القدس قرار گرفته و به زبانی بیگانه و نامفهوم سخن می‌گوید. بلکه این عبارت به شخصی اشاره دارد که از توانایی دائمی تکلم به زبانها برخوردار است (در یونانی: زمان حال). "هر که زبانی دارد" (اول قرنتیان ١٤: ٢٦، در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور دائمی از توانایی تکلم به زبانها برخوردار است. کلمات "سخن گفتن به زبانی" (اول قرنتیان ١٤: ٢٧- ٢٨) (در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور کامل و پیوسته بر آنچه که بر زبان می‌آورد تسلط دارد. به همین دلیل نیز پولس رسول می‌توانست محدودیتهای خاصی را در استفاده از عطایای روحانی در جلسات کلیسایی تعیین کند، در حالیکه اگر مسیحیان به طور ناگهانی قدرت تکلم به زبانی را از روح‌القدس دریافت می‌کردند، اعمال چنین محدودیتهایی غیر ممکن می‌بود.
٢) تجلی عطایای روحانی مربوط به دوران اولیه کلیسای عهد جدید بود، زیرا انجیل در آن زمان هنوز به طور کامل نگاشته نشده بود. به همین دلیل امکان وجود خطا و تعالیم اشتباه زیاد بود. کلیسای قرنتس اغلب از ایماندارانی تشکیل شده بود که از زمینه‌ای بت‌پرست بودند و اغلب در محیط غیرمسیحی با مشکلات متعددی مواجه می‌شدند. ایمانداران کلیسای قرنتس بطور تحت اللفظی "برای روحها غیرت داشتند" (در یونانی: اول قرنتیان ١٤: ١٢). آنها احتمالاً معتقد بودند که "روحهای" مختلف عطایای مختلفی به مردم عطا می‌کنند. ولی پولس رسول تعلیم داد که منشأ تمام عطایای روحانی از یك روح، یعنی از روح‌القدس است (اول قرنتیان ١٢: ٤، ١١). پولس تعلیم داد که مسیحیان قرنتس باید برای انجام کارهایی غیرت داشته باشند که باعث بنای کلیسا می‌شود، نه اموری که در کلیسا بی‌نظمی ایجاد می‌کند (اول قرنتیان ١٤: ٣٣، ٤٠). بنابراین با توجه به وضعیت گناه‌آلود کلیسای قرنتس، به برخی عطایای خاص مانند نبوت و تشخیص ارواح نیاز شدیدی وجود داشت (اول قرنتیان ١٢: ١٠).
٣) از رساله قرنتیان چنین برمی‌آید که تکلم به زبانها تنها یکی از مشکلات موجود در کلیسای قرنتس بود، و آنها با مشکلات دیگری نیز دست به گریبان بودند. مشکلاتی چون جدایی، حسادت، نزاع، درگیری، انحرافات جنسی، متوسل شدن به قضات دنیوی و خدانشناس، سوءاستفاده از آزادی که داشتند، مشکلات مربوط به ازدواج، خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده بود، حضور زنانی که از موقعیت خود سوء استفاده می‌کردند، جلسات کلیسایی مخرب و استفاده نادرست از شام خداوند، غیرت بیش از حد جهت تکلم به زبانها و انکار رستاخیز جسم.
مشکل اعضای کلیسای قرنتس این بود که بیش از حد به تکلم به زبانها اهمیت می‌دادند (اول قرنتیان ١٢: ٣٠) و بدین ترتیب باعث ایجاد بی‌نظمی در جلسات کلیسایی می‌شدند (اول قرنتیان فصل ١٤). به همین دلیل پولس به بررسی موضوع عطایای روحانی (در یونانی: charismata) می‌پردازد. او ابتدا درخصوص تنوع عطایای روحانی، خدمات و تجلیات روح‌القدس تعلیم

می‌دهد (اول قرنتیان فصل ۱۲). سپس به مهمترین طریق اشاره می‌کند که همان طریق محبت است. محبت باعث می‌شود عطایای روحانی در جای درست خود بکار روند، زیرا تمام عطایای روحانی باید بر اساس اصل محبت بکار گرفته شوند (اول قرنتیان فصل ۱۳). پولس در پایان درمورد تفاوت بین عطای زبانها و عطای نبوت تعلیم می‌دهد (اول قرنتیان فصل ١٤).
برخی از اعضای کلیسای قرنتس که از عطایای روحانی خاصی برخوردار بودند، از جلسات کلیسایی سوءاستفاده می‌کردند تا سخنان خود را به گوش دیگران برسانند. این عده به طریقی ناشایست عمل می‌کردند، در حالیکه خواست خدا این است که تمام امور کلیسا در نظم پیش رود. آنها جلسات معمول کلیسا را مغشوش می‌ساختند. به همین دلیل به جای آرامش و سلامتی، تشویش و اغتشاش و بی‌نظمی در کلیسا حاکم بود (اول قرنتیان ١٤: ٣٣، ٤٠). اگر چه پولس رسول برای تمام عطایا ارزش قائل بود، اما نمی‌توانست چنین رفتارهایی را تحمل کند. حکم او این بود که در جلسات کلیسایی تمام امور باید در جهت منفعت و بنای اعضای کلیسا باشد. هر فرد مسیحی باید در چهارچوب اصل محبت، و به هدف بنا کردن و خدمت به دیگران، از آزادی خود در زمینه بکارگیری عطایای روحانی استفاده کند. همچنین این عطایا باید بر اساس اصولی بکار گرفته شود که پولس رسول در کتاب مقدس مشخص کرده است (اول قرنتیان ١٤: ٢٦- ٤٠).
٤) بدین ترتیب پولس رسول عطای تکلم به زبانها را در جایگاه صحیح خود قرار داد. روی سخن او بویژه با مسیحیانی بود که توانایی دائمی تکلم به زبانها را داشتند یا عادت داشتند که به این زبانها صحبت و دعا کرده یا سرود بخوانند. در اول قرنتیان ١٤: ١٤- ١٧ میخوانیم: " زیرا اگر به زبانی دعا کنم که آن را نمی فهمم، در واقع روح من دعا می کند و خودم از آنچه میگویم بی خبرم. پس چه کنم؟ باید هم به زبانهای غیر دعا کنم و هم به زبان معمول، هم به زبانهای غیر سرود خوانم هم به زبان عادی تا همه بفهمند. زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گویید که فقط روح خودتان می فهمد، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند، در حالیکه نمی فهمند چه میگویید؟ شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می گویید اما حاضرین بهره ای نمی برند." وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به روح صحبت می کند، تنها میتواند این معنا را بدهد که شخص صداهایی را ابراز می کند که هیچکس نمی تواند بفهمد. و وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به عقل یا ذهن صحبت میکند، تنها میتواند به این معنی باشد که شخص کلماتی را ابراز می کند که هر فردی میتواند بفهمد. پولس این مسیحیان را مخاطب قرار میدهد زیرا آنها فقط بواسطه روح انسانی خود سخن گفته، دعا کرده یا سرود میخواندند و نه از طریق عقل و اندیشه انسانی خود. در نتیجه تنها زبانها و صداهای نامفهوم تولید میکردند (اول قرنتیان ١٤: ١٣- ١٧). بر چنین مسیحیانی بود که دعا کنند تا در آینده بتوانند آنچه را که تنها به زبانی غیرقابل درك بدان متکلم می‌نمودند، روزی ترجمه کنند. پولس از آنها نمی‌خواهد که ابتدا به زبانی بیگانه و غیر قابل فهم تکلم کنند و سپس آن را ترجمه نمایند. بلکه از آنان می‌خواهد که دعا کنند تا در آینده تکلم آنها به زبانها، هم بواسطه روح انسانی باشد و هم با تکیه بر عقل و خرد انسانی‌شان. تا بدین ترتیب بتوانند در جلسات کلیسایی به زبانی معقول و روشن که برای همه قابل فهم است سخن بگویند، دعا کنند و سرود بخوانند. با توجه به اینکه روح انسان مطیع او است (اول قرنتیان ١٤: ٣٢)، چنین ایماندارانی این توانایی را دارند که تصمیم بگیرند که بجای تکلم به زبانی نامفهوم و بیگانه، به زبانی تکلم کنند که باعث بنای دیگر اعضای کلیسا است (اول قرنتیان ١٤: ١٩). تنها از این طریق است که سایر اعضای کلیسا نیز بنا خواهند شد.

١٦- ترجمه زبانها

الف) "ترجمه زبانها" (اول قرنتیان ١٢: ١٠، ٣٠؛ ١٤: ٢٧- ٢٨).
ترجمه زبانها توانایی خاصی است که به موجب آن، شخص می‌تواند نه تنها زبانهای خارجی قابل فهم را ترجمه کند، بلکه سایر زبانهای مختلف و ناشناخته مردم و فرشتگان را نیز درك و ترجمه نماید تا از این طریق شنوندگان و اعضای کلیسا بنا شوند. این عطای روحانی و عطای روحانی تکلم به زبانهای مردم و فرشتگان، هر دو در جلسات کلیسایی لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند. مسیحیانی که از این عطای دائمی برخوردار هستند می‌توانند تشخیص دهند که آیا مسیحیان دیگر براستی از عطای زبانها برخوردارند یا نه، یا آنچه را که می‌خواهند به زبانی متکلم شوند، باعث بنای شنوندگان در کلیسا خواهد شد یا نه.

ب) تکلم همزمان از طریق روح و فکر
روشن است که آن عده از اعضای کلیسای قرنتس که به زبانی بیگانه و غیر قابل درك تکلم می‌کردند، از عطای روحانی ترجمه زبانها برخوردار نبودند (اول قرنتیان ١٤: ١٣). این امکان وجود داشت که کسانی که از عطای دائمی تکلم به زبانها برخوردار بودند، خودشان آنچه را که می‌گفتند ترجمه کنند. ولی در اینصورت می‌بایست به زبانی قابل درك سخن می‌گفتند تا دیگران بفهمند. یعنی همزمان، هم از طریق روح خود سخن گویند و هم از طریق فکر انسانی خود. به عبارت دیگر، آنچه را که روح آنها می‌خواست به زبانی غیر قابل درك و بیگانه متکلم شود، فکر و ذهن آنها می‌بایست به زبانی قابل فهم بیان می‌کرد (اول قرنتیان ١٤: ٥، ١٣- ١٩).
ولی این توانایی امری خودکار نبود (اول قرنتیان ١٤: ٥ ، ١٣). به طور کلی، اگر در جمع مسیحیان مترجمی حضور می‌داشت، آن شخص خود از عطای دائمی ترجمه زبانها برخوردار بود و سایر مسیحیان نیز همگی این موضوع را می‌دانستند، و این شخص معمولاً کسی بود غیر از فردی که به زبانی غیر قابل درك تکلم می‌کرد (اول قرنتیان ١٢: ١٠؛ ١٤: ٢٧- ٢٨). اگر در جلسات کلیسایی هیچ مترجمی حضور نمی‌داشت یا مترجم تمایلی به ترجمه زبانها نداشت، تعلیم پولس رسول این بود که در چنین شرایطی هیچ کس اجازه ندارد در جلسات کلیسایی به زبانی بیگانه تکلم کند (اول قرنتیان ١٤: ٢٨).

پ) محدودیتهای رسولان در زمینه تکلم به زبانها

پولس رسول به روشنی حکم می‌کند که در جلسات کلیسایی حداکثر سه نفر مجازند به نوبت به زبانها تکلم کنند، آن هم در صورتی که سخنان آنها بلافاصله توسط کسی که عطای ترجمه دارد، ترجمه شود. به اعتقاد پولس، مسیحیان اجازه ندارند به طور همزمان در جلسات کلیسایی به زبانها تکلم کنند (اول قرنتیان ١٤: ٢٧). همچنین او به زنان اجازه تکلم به زبانها یا نبوت در جلسات رسمی کلیسایی را نمی‌دهد (اول قرنتیان ١٤: ٣٤- ٣٨).

١٧- **تجرد**

"تجرد" (اول قرنتیان ٧: ٧، ٣٢- ٣٥؛ متی ١٩: ١٠- ١٢) عبارت است از توانایی، انتخاب یا دعوتی خاص که برخی از مردم از آن برخوردارند تا از این طریق بتوانند خود را با تمام وجود وقف خدمت به خدا و گسترش ملکوت او کنند. این عطا نیز مانند سایر عطایای روحانی ممکن است بر حسب نیازی که وجود دارد، به طور دائمی یا موقت از طرف خدا به فردی داده شود.